

خلاقیت رمز موفقیت در کسب و کارها

اشاره:

خلاقیت یعنی توانایی خلق چیزی نو، آفریدن ایده و فکری متفاوت از آنچه تا به حال بوده، ایجاد سبک یا روشی جدید برای یک هدف. یا به تعبیری نگاه کردن متفاوت به مسأله و رسیدن به یک راه حل جدید. در اینجا به چند تایی از تکنیک های عمومی خلاقیت اشاره می کنیم که در یافتن ایده های جدید می توانند به شما کمک کنند. به یاد داشته باشید که در هر شرایطی ممکن است یکی از این روش ها به درد بخورد. به هر حال دانستن تمام آنها حتما جایی به کمکتان می آید.

تکنیک های عمومی خلاقیت

تکنیک طوفان فکری

آیا تا به حال در جلسه ای بوده اید که در آن از آدم ها بخواهند در مورد یک موضوع مشخص نظر بدهند؟ آیا خود شما هم ایده داشتید؟ جلسه چه طور بود؟ چند تا ایده ی جالب و غیر منتظره جمع شد؟ تکنیک طوفان فکری در واقع یک نوع ایده یابی گروهی و سازمان یافته است. اساس کار طوفان فکری این است که با جمع آوری تمام ایده هایی که هم زمان در جلسه به وسیله ی اعضا ارائه می شود، راه حل مناسبی برای یک مسأله ی خاص پیدا شود.

توجه به چهار اصل در برگزاری جلسات طوفان فکری اهمیت دارد .

اول این که هر چه بیشتر ایده خلق شود، احتمال پیدا کردن ایده ی مناسب بیشتر می شود؛ دوم این که که ارزیابی، تمسخر و قضاوت عجولانه ی اعضای جلسه مانع تصور و خیال پردازی افراد می شود. در نتیجه تولید ایده به حداقل می رسد؛

از آن جایی که هر ایده ی جدید خود به وجود آورنده ی ایده های تازه است، اصل سوم این است که توجه داشته باشیم افراد در مواجهه با ایده ی جدید، موضوع جدیدی در ذهنشان مطرح می شود و تعداد بیشتری ایده در ذهن افراد جرقه خواهد زد؛

و بالاخره اصل چهارم، این که اگر دو یا چند چیز با هم ترکیب شوند، نتیجه ی حاصل چیزی بیش از جمع آنها است. به عبارت دیگر، ایده های ایجاد شده در گروه، بهتر و بیشتر از ایده هایی است که مجموع افراد به تنهایی پیشنهاد می کنند. در این مورد که تعداد افراد شرکت کننده در جلسه ی طوفان فکری چند نفر باید باشد، تحقیقات زیادی شده است. نتایج این تحقیقات نشان می دهد بهتر است جلسات با ۱۲ تا ۱۵ نفر تشکیل شود .

تکنیک Do IT

اسم این تکنیک از حروف چهار کلمه ی انگلیسی تشکیل شده است. علت انتخاب این چهار کلمه این است که برای حل مشکل، ابتدا لازم است موضوع یا مسأله را دقیقاً تعریف و مشخص کنیم. سپس ذهن را برای پیدا کردن راه حل های مختلف باز نگه داریم تا بهترین راه پیدا شود.

در زیر این کلمات را تعریف کرده ایم. هر یک از آنها به شما دید خوبی برای استفاده از این تکنیک می دهد .

مسأله را واضح مطرح کنید.

سؤال کنید چرا این مشکل به وجود آمده است؟ سعی کنید مشکل را به مشکلات کوچک تر تقسیم کنید. حال این مشکل را در دو کلمه بیان کنید. هدف ها، معیارها و موانع کارتان را مشخص کنید و درباره ی آنها توضیح دهید. در این مرحله با تمرکز بیشتر بر موضوع و درک عمیق آن می توان به تعریف درست تری از آن رسید. تعریف دقیق مسأله، به قدری به حل خلاق آن کمک می کند که گفته می شود نود درصد حل مسأله، خوب فهمیدن آن است .

از زاویه های مختلف مسأله را ببینید.

فکر خود را محدود نکنید. در مورد مشکلاتان، از دیگران سؤال کنید و از پاسخ هایشان برای تولید ایده های جدید استفاده کنید. ایده ها را هر چند خنده دار لیست کنید. ایده های جدید را با هم ترکیب کنید و در دسته های مختلف گروه بندی کنید. ایده ها را ارزیابی نکنید، یعنی هر چیزی به نظرتان رسید، فکر نکنید مسخره است یا عملی نیست. تشویق در ایده دادن و لیست کردن آنها، در تولید انبوهی ایده بسیار مؤثر خواهد بود .

از بین ایده‌ها بهترین را پیدا کنید.

به هدف و معیارهایتان توجه کنید. ایده‌های جمع شده را بر اساس آن‌ها تجزیه و تحلیل کنید. نقاط ضعف هر ایده را پیدا کنید و فکر کنید چگونه می‌توان آن‌ها را به نقطه‌ی قوت تبدیل کرد. در مورد نقاط مثبت اغراق کنید، شما را در اجرای ایده‌تان دل‌گرم می‌کند.

ایده را به راه‌حل عملی تبدیل کنید

بعد از ارزیابی و انتخاب بهترین ایده، حالا وقت این است که به عملی کردن ایده فکر کنید. این مرحله‌ای است که فکر و ذهنیت شما می‌خواهد به یک چیز جدی تبدیل شود. یک ایده‌ی خوب اگر بد اجرا شود نه تنها سودی ندارد، بلکه گاهی موجب زیان‌های جبران ناپذیر می‌شود.

تکنیک توهم خلاق

خیلی وقت‌ها آنچه ما فکر می‌کنیم واقعیت است، واقعیت نیست. واقعیت‌ها با پنج حس انسان درک می‌شوند. فرض بر این است که حواس پنج‌گانه گزارش دقیق و درستی از محیط اطراف به انسان می‌دهند. آیا واقعاً همین‌طور است؟ چیزهایی که چشم شما می‌بیند و طوری که مغزتان آن را تفسیر می‌کند باعث این خطا یا توهم می‌شود. چشم می‌بیند، اما وظیفه‌ی ذهن چیز دیگری است. کار ذهن مرتب کردن، دسته‌بندی و قابل فهم کردن جرقه‌هایی است که پس از دیدن، مغز آن را ایجاد می‌کند. بنابراین تصاویری که در ذهن شما است، کمی مستقیم‌تر است، بلکه کدهای خلاصه‌ای است که از طریق شبکه‌ی عصبی به مغز می‌رسند.

همه‌ی افراد در همه‌ی مواقع درک یکسانی از یک موضوع ندارند و ارتباط ادراکی چشم و مغز همیشه منجر به درکی منسجم از واقعیت نمی‌شود. حتی گاهی این دو با هم تضاد هستند.

از طرفی تجربیات قبلی در موضوع رؤیت شده بسیار تأثیرگذار است. در واقع بیشتر اوقات، تمایلات، انتظارات و تجربیات قبلی باعث می‌شود ما آنچه را مایلیم ببینیم، نه آنچه را که واقعاً در خارج وجود دارد.

شاید تنها راهی که به وسیله‌ی آن بتوان واقعیت را شناخت، حذف پیش‌فرض‌ها، تمایلات و یا فیلترهای پنهانی است که بر موضوع اثر گذاشته است.

برای این منظور، اولین قدم این است که متوجه باشیم حواس پنج‌گانه نشان نمی‌دهد واقعیت بیرونی دقیقاً چیست. این خود از ضرورت‌های یک فکر خلاق است.

منظور و هدف این تکنیک این است که شما بتوانید با قدرت توهم و خیال طور دیگری به مسائل نگاه کنید، تا بلکه اصل و واقعیت موضوع را دریابید. این سعی باعث می‌شود الگوی ذهنی جدیدی در مغز شما ساخته شود و در نهایت این فعل و انفعالات موجب کشف ناگهانی و غیرمنتظره‌ای گردد.

بنابراین، برای این که بتوانیم خلاقانه با موضوعات برخورد کنیم و راه‌حل‌های جدید برای مسائلمان پیدا کنیم، گاهی احتیاج است با قدرت خیال و توهم موضوع را از زوایای دیگری هم ببینیم. هر چند که دیدن از آن زاویه اشتباه به نظر آید.

شاید به همین دلیل است که بسیاری از افراد خلاق کارهایی می‌کنند که در ابتدا احماقانه به نظر می‌رسد.

تکنیک دفترچه‌ی یادداشت

شما کسی هستید که جایی کار می‌کنید، شاید هم فقط درس می‌خوانید، و یا بیشتر اوقات خود را در خانه سپری می‌کنید. تا حالا شده است به جای موضوع اصلی که مشغول آن هستید، به چیزی که در حاشیه‌ی موضوع اصلی قرار گرفته است دقیق شوید و فکر کنید؟ چه قدر به آن فکر کردید؟ چه ایده‌هایی به ذهنتان رسید؟ می‌دانید اگر همین فکرهایی که در حین کار روی موضوع اصلی ناگهان ذهنتان را مشغول کرده و بعضی وقت‌ها اتفاقاً ایده‌های جالبی از آن خلق شده، به چه درد می‌خورند؟

وقتی که روی مسأله‌ای تمرکز می‌کنید و برای آن دنبال راه‌حل می‌گردید، ناخودآگاه ذهنتان را عادت می‌دهید که: ۱. پذیرای صورت مسأله‌ی جدید باشد و نسبت به آن حالت تدافعی به خود نگیرد.

۲. در پردازش اطلاعات ورودی از پدیده‌های بیرونی، دقیق و ظریف عمل کند و به همه‌ی نکات توجه کند.

دفترچه‌ی یادداشت ایده به شما این امکان را می‌دهد که بعد از یک بازه‌ی زمانی مشخص، چندین راه‌حل متفاوت برای یک موضوع گرد آورید. نوشتن هم ذهن شما را مرتب می‌کند، هم جلوی آفت فراموشی را می‌گیرد.

این دفترچه، نه دفترچه‌ی یادداشت روزانه است که قرار ملاقات هفته‌ی بعد در آن نوشته شود، و نه دفترچه‌ی تلفن. بلکه محیطی است که در آن به خودمان اجازه می‌دهیم ساده و کودکانه فکر کنیم، به ذهن اجازه‌ی خلاقیت دهیم و فکرهای خوبی را که ممکن است تعداد زیادیشان در مدت کوتاهی تولید شوند ثبت کنیم. هرچه این فکرها نامأنوس‌تر باشند و قالب‌ها و پیش فرض‌های اضافی مرسوم را بشکنند، با ارزش‌ترند.

دفترچه‌ی ایده به ما کمک می‌کند که به اطرافمان دقیق‌تر نگاه کنیم و سعی کنیم نکات ریز و ظریف پدیده‌ها را درک کنیم. کلنجار رفتن با یک مسأله که هیچ اجبار بیرونی برای حل سریع آن ندارید، بهترین راهی است که می‌تواند ذهن شما را همیشه باز و خلاق نگه دارد.

تمرین دفترچه‌ی یادداشت:

سعی کنید هر روز زمان‌های خاصی را به پُر کردن خلاقانه‌ی دفترچه اختصاص دهید. در عین حال هر ایده‌ی جدیدی که به ذهنتان می‌رسد، شکار کنید و در دفترچه نگه دارید. اگر در مورد مشکل خاصی فکر می‌کنید، صورت مسأله را هم خیلی خلاصه بنویسید یا با نشانه‌ی خاصی منشأ ایده را مشخص کنید.

بهتر است دفترچه را از نوعی انتخاب کنید که احساس راحتی بیشتری در شما ایجاد می‌کند. سعی کنید دفترچه را همیشه همراه داشته باشید. هیچ‌کس نمی‌داند فرصت کی از راه می‌رسد!

پس از تمام شدن دفترچه، آن را مرور کنید و ایده‌ها را دسته‌بندی کنید. از آن پس با داشتن مجموعه‌ی باارزشی از فکر خودتان به عملی کردن این ایده‌های خام بپردازید.

منبع: بازارکار